

شاخصه‌های فرزند پروری در سیره حضرت زهرا(س)

نیک محمد خلیلی*

چکیده

تربیت کودک، از مسائل مبتلا به امروز تمام جوامع می‌باشد، در جامعه ما با توجه به تغییراتی که در زمینه ارزش‌های فرهنگی صورت گرفته است این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است. امروزه سبک‌های فرزند پروری متفاوتی در جوامع رواج یافته که هر کدام دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشند. در اسلام نیز روش‌های ویژه‌ای برای فرزند پروری مطرح می‌شود.

در این مقاله، که به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است؛ به بررسی سبک فرزند پروری حضرت زهرا(س) که خود تربیت شده دامن وحی بوده و نمونه‌ای موفق برای زنان جامعه اسلامی می‌باشد، پرداخته شده است. از نمونه‌های رفتاری ایشان با فرزندان دل‌بندشان تأمین نیازهای عاطفی آن‌ها از طریق محبت، آموزش عبادت و بندگی، آموزش نوع دوستی، ایجاد رقابت سالم بین فرزندان و برقراری عدالت در میان آن‌ها، ارج نهادن به شخصیت کودکان و توجه به حضور و غیاب آن‌ها می‌توان اشاره نمود. آشنایی با این روش‌های می‌تواند مادران جامعه ما را در راستای تربیت صحیح فرزندانشان یاری دهد.

کلیدواژگان: شاخصه‌ها، فرزند پروری، سیره، حضرت زهرا

مقدمه

فرزند پروری به روشها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزند پروری، مبنی تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (بامریند، ۱۹۹۱). در متون اسلامی، نیز فرزند پروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه اسلام، مسئولیت تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است. امام صادق (ع) سه حق را بر پدر لازم می‌دانند می‌فرماید: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت فرزند.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۶)

پژوهش‌های معاصر، در شیوه‌های فرزند پروری از مطالعات «بامریند» درباره کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. با مریند، شیوه‌های فرزند پروری را شامل سه شیوه تربیتی یعنی مستبدانه، مقتدرانه و سهل انگارانه می‌داند. شیوه تربیتی مستبدانه، با سختگیری و انعطاف پذیری، مشخص می‌شود. والدین مستبد، خواستار فرمانبرداری بی چون و چرا هستند. والدین مقتدر، بر خود مختاری فرزندان در محدوده‌ی مقررات خانواده تأکید دارند. والدین سهل گیر، در تربیت فرزندان از قوانین مشخص پیروی نمی‌کنند و کنترلی بر رفتار و کردار آنها ندارند. (پاکدامن، ۱۳۹۰: ۲۵)

در خانواده‌هایی که با روش تربیتی والدین مستبدانه است، محور روابط بر اساس قدرت، خشونت و رفتار و تربیت خود محوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است. به کار گرفتن این شیوه در تربیت فرزندان فضای زندگی را مسموم می‌سازد. از پیامدهای این روش احساس حقارت در تربیت فرزندان و تضعیف عزت نفس آنها اشاره کرد. در وضعیتی که به احساس‌ها، عقیده‌ها، و تمایل فرد توجه نشود و همواره با زور و فشار قدرتی مافوق خود به پذیرش امری مجبور شوند، حس اعتماد به نفس در فرزندان تضعیف می‌شود و نوعی احساس بیهودگی و ناکارآمدی به آنها دست می‌دهد. خود کم بینی، وابستگی و اطاعت کورکورانه نیز می‌تواند از پیامدهای اجبار و تحمیل باشد. چنین انسانی نشاط و شادابی خود را از دست داده و دچار سرشکستگی می‌شود.

در روش تربیتی آسان گیر، والدین نسبت به تربیت فرزند خود بی توجه هستند، کنترلی نسبت به رفتار فرزندان خویش به کار نمی‌گیرند. این والدین نه تنها خود الگویی برای فرزندان خود نیستند بلکه به معرفی الگوی مناسب برای فرزندان هم مبادرت نمی‌ورزند. در این روش تقاضای والدین از فرزندان کم و پاسخ دهی زیاد است، به فرزندان آزادی بیش از اندازه داده می‌شود و هدف گذاری مناسب برای آنها صورت نمی‌گیرد. الگوی تربیتی آنها فقط محبت و دوست داشتن است. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی هستند خودشان تصمیم بگیرند در حالی که هنوز قادر به این کار نیستند.

محبت افراطی این والدین فرزندان را عاصی می‌کند. این فرزندان اغلب از لحاظ اجتماعی غیر شایسته و فاقد خویش تن داری هستند؛ تحمل سختی ندارند و غالباً از کنترل خارج هستند و قدرت مهار تحریکات آنی را ندارند.

سبک مسئولانه

در قرآن و احادیث بر سبک فرزند پروری ویژه‌ای تأکید شده است تا فرزند به درستی و بر اساس فطرت انسانی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است و شخصیتش در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به صورت هنجار رشد کند. این سبک، سبک مسئولانه نام دارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: «روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد، ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ به نقل از پرچم، ۱۳۹۱: ۱۲۰) بایستی اشاره نمود که نقش مادری و همسری از بزرگترین موهبت‌های الهی به زنان است. حضرت زهرا (س) بزرگ‌ترین و زیباترین جلوه خدا در زمین و نمونه کامل یک زن هستند که به بهترین شکل مقام مادری و همسری را به نمایش گذاشتند.

حضرت زهرا (س) همان کسی است که خدا درباره ایشان فرمودند: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لو لا فاطمه لما خلقتکما؛ ای احمد اگر تو نبودی افلاک و جهان را خلق نمی‌کردم و اگر علی (ع) نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی‌کردم.» (نیلی پور، ۱۳۸۰: ۲۵۳) فاطمه دختر رسول خدا و همسر ولی خدا و مادر یازده نور از پیشوایان دین خداست. وجود فاطمه زهرا بیانگر جایگاهی است که خدا در وجود زن قرار داده است. حضرت زهرا نمود کامل تجلی خداوند در وجود زن است، او بود که برکت وجودی زن را به جهانیان اعلام کرد. همسری و مادری دو موهبتی است که از سوی خدای تعالی به زن اعطا شده و کرامتی است که هیچ چیز نمی‌تواند از ارزش آن بکاهد.

فرزندان، امانت الهی هستند که خدای سبحان در اختیار پدر و مادر قرار داده است. از پدر و مادر خواسته تا در تربیت صحیح فرزندان خویش کوشا باشند و راه تربیت را هم به انسان آموخته است. بنابراین فراگیری اصول و روش‌های صحیح تربیت، و به کار بستن آنها موفقیت بزرگی است که نصیب یک خانواده می‌شود. لذا بررسی و یادگیری شیوه‌های تربیت حضرت زهرا (س) که به عنوان بزرگترین الگوی زن مسلمان مطرح می‌شوند می‌تواند زنان جامعه ما را در رسیدن به این هدف و مسئولیت بزرگ یاری نماید.

روش‌های تربیتی حضرت زهرا (س)

یکی از وظایف مهم حضرت زهرا (س) در زندگی، بچه داری و تربیت فرزندان بود. فاطمه (س) پنج فرزند داشت که از افراد عادی نبودند، بلکه چنین مقدر شده بود که نسل پیامبر اکرم (ص) از طریق ایشان ادامه پیدا کند. و حضرت فاطمه می‌دانست باید امام تربیت کند و نمونه‌هایی را به جامعه تحویل دهد که آینده و معرف حقیقت اسلام باشند. و این کار، کار سهل و آسانی نبود. او می‌دانست که در نگاه اسلام شخصیت مادر در روند تربیت کودک بسیار مهم و اساسی است.

خداوند متعال به اسم «مصور» رحمت را در نهان زن پنهان کرده است؛ چنانچه که می‌فرماید «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ؛ اوست که شما را در رحم مادران به هر سان که خواسته باشد می‌نگارد.» (آل عمران/۶) بدین سان خداوند متعال بنیان مرصوص خلقت فرزندان را در رحم زن نهاد و انبساط اسم «رحمن» و «رحیم» را در نشئه طبیعت زن جاری ساخته است تا فرزندانی که از او به دنیا می‌آیند و در دامن او تربیت می‌شوند از شریعه رحمت و عاطفه و محبت سیراب گردند (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۴: ۴۱). مادر از زیباترین کلمه‌ها در همه فرهنگ‌هاست.

مفهوم مادری مجموعه‌ای از مهمترین مفاهیم را تداعی می‌کند، مانند: محبت، ایثار، شکیبایی، عفاف، پایداری، آرامش، قدردانی، احترام و بسیاری از مفاهیم زیبای دیگر. هیچ کار دیگری را نمی‌توان با این کار مقدس برابر دانست، دلیل آن هم روشن است، رشد و بالندگی فرزند از ابتدای انعقاد نطفه در رحم تا مدت پس از تولد بر عهده مادر است. بر این اساس است که خداوند وقتی از احترام به والدین سخن می‌گوید از مقام مادر جداگانه نام می‌برد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ آدمی را به نیکی کردن با پدر و مادر خود سفارش کردیم. مادرش بار او را به دشواری برداشت و به دشواری بر زمین نهاد. و مدت حمل تا از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا چون به سن جوانی رسد و به چهل سالگی درآید، گوید: ای پروردگار من، به من بیاموز تا شکر نعمتی که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آرم. کاری شایسته بکنم که تو از آن خشنود شوی و فرزندان مرا به صلاح آورد. من به تو بازگشتم و از تسلیم شدگانم.» (احقاف/۱۵)

این آیات، بیانگر جایگاه بالای مادر در نگاه اسلام است، جایگاهی که با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نمی‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ؛ همسران شما کشتزاران شما هستند، با بذر افشانی در کشتزار خود از نعمت فرزند شایسته بهره مند شوید.» (بقره/۲۲۳) و رسول خدا (ص) و عترت رسول خدا (ص) هم بر این اصل تأکید دارد. از امام صادق (ع) رسیده است که سعادت انسان از فرزند شایسته است:

«من سعادة المرء الولد الصالح» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۷) و همچنین فرمودند: «یادگار و میراث بنده مؤمن فرزند شایسته است که برای او طلب مغفرت می‌کند؛ «میراثِ الله من عبده المؤمن الولد الصالح يستغفر له» (همان: ۹۸)

می‌توان گفت از اهداف مهم ازدواج تربیت فرزند صالح و شایسته است که در آیات و روایات تأکید زیادی بر آن شده است. دوران کودکی یکی از حساس‌ترین دوران شکل‌گیری و تربیت‌پذیری انسان است. گرچه کودک با زمینه سعادت و یا انحراف و شقاوت متولد می‌شود، اما به لحاظ اهمیت الگوپذیری کودک، این دوران می‌تواند زمینه‌ها را کاملاً تغییر دهد. بنابراین، کودکی هم که با زمینه سعادت متولد شده، ممکن است در اثر رعایت نکردن اصول تربیتی منحرف گردد. و یا اگر با زمینه شقاوت متولد شده، با مراقبت‌های لازم و رعایت اصول تربیتی سعادت او فراهم آید (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۷۲). لذا همان‌طور که در مورد دوران بارداری فرمودند: «الشَّقِيُّ مِنَ شَقِيٍّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (همان: ۱۹۷) در مورد دوران کودکی هم آمده است: «قَلْبُ الْحَدِّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (همان: ۱۹۶) قلب کودک همانند زمین خالی که پذیرش هر بذری را دارد، می‌باشد.

حضرت زهرا (س) این مهم را به خوبی دریافته و در راه تحقق آن تلاش می‌نمودند. ایشان در خانه خود، از روش‌های مختلف تربیتی استفاده می‌نمودند که متأسفانه به طور کامل و دقیق به دست ما نرسیده است. مردم هم عصر ایشان آنقدر رشد فکری نداشتند که برای امور تربیتی ارزش قائل باشند، تا در ثبت جزئیات برنامه‌های ایشان و رفتار و گفتار پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) مراقبت نموده و آنها را برای دیگران روایت کنند. اما همواره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی کامل برای زنان ما در عرصه‌های همسری و مادری مطرح است، لذا برخی از رفتارها و شیوه‌های تربیت ایشان به عنوان نمونه بیان می‌گردد:

محبت کردن به کودکان

در دوران کودکی، محبت مادر سرنوشت طفل را معین می‌سازد، بر اساس بررسی‌های انجام شده، از مهم‌ترین عواملی که هنگام بیماری در درمان طفل مؤثر است، مهر و محبت مادری است. مشکلات جسمی ناشی از کمبود محبت عبارتند از: پریدگی رنگ، از دست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های معده‌ای و روده‌ای که منجر به اسهال و استفراغ در کودک می‌شود. از نظر روانی، نیز این که کودک در آینده فردی صمیمی باشد یا نه، مهرورز باشد یا خشن، با دیگران در جوشش باشد یا منزوی، بسته به ارتباط مادر با نوزاد دارد. با محبت کردن به کودک می‌توان از بسیاری از انحرافات جلوگیری نمود. (برجی نژاد، بی تا: ۹۵)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فرزندان خود را دوست بدارید و به آنها محبت کنید» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵: ۱۷۰) در فقه الرضا آمده است: «از عالم (ع) روایت می‌کنم که به مردی فرمود: آیا تو پدر و مادر داری؟ گفت: نه، حضرت

فرمود: آیا فرزند داری؟ گفت: آری. حضرت به او فرمود: به فرزندت نیکی کن، برایت نیکی به پدر و مادر محسوب می‌شود. (ترجمه جامع الاحادیث، ج ۲۶: ۱۸۶۳)

روان هر انسانی، تشنه محبت است و در تمام پیوندهای اجتماعی، هیچ چیزی جایگزین آن نیست. مخصوصاً در دوران کودکی که هر طفلی عاطفه و محبت مادر را با تمام وجود درک می‌کند و از هر غذایی برایش لذیذتر است. زمانی که مادر برای سرگرم کردن کودک او را نوازش می‌دهد و یا برای خواباندن و ساکت کردن وی اشعار مخصوصی می‌خواند، بهترین دقایقی است که بر کودک می‌گذرد.

بازی با کودکان

حضرت زهرا (س) که مادری نمونه بود، هر وقت می‌خواست با فرزند خردسالش امام حسن (ع) بازی کند، او را روی دست می‌چرخاند و بالا و پایین می‌کرد و این اشعار را می‌خواند: أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ / وَ اعْبُدِ إِلَهًا دَامِنًا وَ لَا تَوَالِ ذَا الْأَحَنِ «ای حسن جان! مانند پدرت باش، ریسمان را از گردن حق بردار خدای احسان کننده را پرستش کن، و با افراد کینه توز دوستی مکن» و اما وقتی که با امام حسین (ع) بازی می‌کرد او را هم روی دست می‌چرخان و می‌فرمود: أَنْتَ شَبِيهُ بِأَبِي لَسْتَ شَبِيهًا بِعَلِيٍّ (تو شبیه پدر منی شبیه به علی نیستی) و حضرت علی (ع) تبسم می‌کرد. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۶)

حضرت زهرا (س) با همین جملات، ضمن ابراز محبت به کودکان خود و برقراری ارتباط عاطفی، به آنان درس شجاعت و دفاع از حق می‌دادند.

از جمله موارد دیگری که از زندگی حضرت زهرا (س) بیان شده است روایتی است که سلمان فارسی نقل نموده است. از مرحوم راوندی، در کتاب «خرائج» از سلمان فارسی روایت شده که گفت: فاطمه (س) را دیدم که نشسته بود و پیش روی او آسیایی بود که جو، را با آن دستاس می‌کرد، و بر دسته آن خون تازه دیدم که در اثر سائیده شدن و زخم دست زهرا بود. و از آن سوی، فرزندش حسین (ع) را دیدم که در گوشه خانه از گرسنگی گریه می‌کرد. دلم به حال زهرا (س) سوخت و به او عرض کردم: ای دختر پیامبر این فضا است چرا کار خانه را به او واگذار نمی‌کنی؟ در جواب من فرمود: رسول خدا (ص) به من سفارش کرده که کارها را با او از روی نوبت انجام دهیم و امروز نوبت من است و فردا نوبت اوست. سلمان گفت من عرض کردم، پس اجازه دهید من به شما کمک کنم یا جو را دستاس کنم یا حسین را ساکت نمایم. زهرا (س) فرمود: من بهتر می‌توانم حسین را آرام کنم، پس تو جو را دستاس کن. (همان: ۲۸)

این روایت، با کمی اختلاف نیز بیان شده است: روزی پیامبر برای خواندن نماز به مسجد آمدند و به انتظار بلال که اذان گوی پیامبر بود نشستند. بلال با مختصری دیر کردن آمد. پیامبر علت را از ایشان جویا شد. بلال پاسخ داد: هنگام

آمدن به مسجد خدمت حضرت فاطمه (س) رفتم، او مشغول به آرد کردن گندم بود و فرزندش حضرت حسن (ع) نزد آسیاب روی زمین قرار داشت و گریه می کرد. گفتم یا فاطمه کدام یک از پیشنهادهای مرا قبول می کنید؟ یا من آراد را درست کنم یا حسن را نگاه دارم؟ ایشان پاسخ دادند: من به فرزندم مهربان تر هستم، آنگاه من آسیاب را گرفتم و آرد کردم، این علت دیر کردن من بود. حضرت رسول (ص) فرمود: به فاطمه خدمت کردی امید است مشمول رحمت و الطاف خداوند گردی. (همان: ۶۳)

روان شناسان، بیان نموده اند که، نوع محبتی که کودک می طلبد با دیگر افراد فرق دارد. محبتی که به او اعمال می شود باید دو خصوصیت داشته باشد، اول آنکه بلا شرط باشد؛ یعنی به خاطر زیبایی، رشد، شیرین زبانی و... نباشد و دوم آنکه، سرشار باشد؛ آنچنان که کل وجود او را در خود غرق کند. خوشبختانه این دو خصوصیت در محبت مادر وجود دارد. علاوه بر این که محبت مادر یک طرفه است. یعنی فقط از طرف اوست و ممکن است برای فرزند توأم با بی تفاوتی باشد. ضمن اینکه کار مادر بسیار دشوار است از آن جهت که از یک سوی باید به طفل محبت کند و از سوی دیگر، بر او نفوذ داشته و او را منضبط بار آورد. او در عین عاطفه و مهرورزی باید توانا باشد تا بتواند بر او تحکم کند و این تحکم برای سازندگی کودک ضروری است (قائمی، بی تا: ۹۳).

ابراز محبت مادر، به شیوه های مختلفی انجام می شود. مثل در بغل گرفتن، بوسیدن و نوازش کردن که این امر موجب جلب اطمینان کودک از زندگی می شود و از امنیت خاطر بیشتر استفاده خواهد کرد. راز توصیه اسلام به بوسیدن کودک در همین امر است. رسول خدا (ص) فرمود: «فرزندانتان را بسیار ببوسید چرا که برای شما در برابر هر بوسه ای درجه ای در بهشت است که مسیر آن پانصد سال است.» (جامع أحادیث الشیعه، ج ۲۶: ۸۶۵)

امام علی (ع) می فرماید: «روزی وارد اتاق فاطمه (س) شدم، ناگاه مشاهده کردم که وی بر پشت دراز کشیده و حسین نیز بر سینه او در خواب است.» (عوالم، ج ۱۱: ۲۰۵؛ جلاء العیون، ج ۱: ۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۴۳: ۲۸، ح ۳۳) این حدیث شدت عشق و علاقه متقابل فاطمه (س) و فرزندانش را بیان می نماید.

حضرت زهرا، آن قدر به بچه های خود علاقه مند بود که حتی نسبت به ایام بعد از خود نیز حساس بود و به امیرالمومنین (ع) که شوهر معصوم آن حضرت بود سفارش بچه ها را می کرد. فاطمه (س) در بستر بیماری که به مرگ ایشان منتهی شد، در مورد بچه هایش دو نوع وصیت کرد: نخست در مورد انتخاب همسری که به بچه های فاطمه (س) مهربان باشد. دوم برخورد محبت آمیز امیرالمومنین با آنان و این که علی (ع) از هر دو شب یک شب را در کنار بچه های داغ دیده فاطمه (س) بخوابد. (عوالم، ج ۱۱: ۵۰۳؛ جلاء العیون، ج ۱: ۲۱۸)

آموزش عبادت و بندگی به کودکان

مذهب، بزرگترین منبع تربیتی در خانواده است و همه فعالیت‌ها و رفتار اعضای خانواده بر آن استوار است. این که خانواده‌های اسلامی سعی دارند همه مسائل زندگی را بر اساس فرامین مذهبی انجام دهند، به این علت است که معتقدند، مذهب، نیروی کنترل‌کننده‌ای است که آدمی را از شهوات و تمایلات نابودکننده باز می‌دارد و زمینه بهره‌مندی از عقل را فراهم می‌سازد. مذهب به آدمی ایده می‌دهد و از موهومات و تخیلات دور می‌سازد و افکار صالح در آدمی به وجود می‌آورد.

تربیت دینی برای طفل، امری ضروری و حیاتی است. او در زندگی نیازمند به ستون پایداری است که به هنگام تزلزل بدان متکی شود و در مسیر رسیدن به هدفش نلغزد. هدف تربیت دینی، ایجاد رابطه بین کودک و خدا و نیز ایجاد وابستگی فرد به پروردگار است که آدمی بر اساس آن بتواند خواسته‌ها و تمایلات نامشروعش را به بند کشد، و زندگی را رنگ الهی دهد و برنامه حیاتش را بر اساس مقررات خداوند استوار سازد. (برجی نژاد، بی تا: ۱۹۸) در دین اسلام، دستور داده شده است که به محض تولد فرزند در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بخوانند، تا کودک از همان ابتدای ولادت ولو اندک با اصول و معارف توحیدی آشنا شود و فطرت خدایی او آگاه و شکوفا گردد.

با اسناد، نقل شده، امام رضا (ع) از پدرانش از علی بن الحسین (ع) روایت می‌کند که: اسماء دختر عمیس گفت: جدّه شما فاطمه (س) را در زایمان حسن و حسین (ع) قابله بودم. پس هنگامی که حسن (ع) به دنیا آمد، پیامبر اکرم (ص) وارد شد و فرمود: ای اسماء، پسر مرا بیاور، پس حسن (ع) را در جامه‌ای زرد به وی دادم. پیامبر جامه زرد از او دور کرد و فرمود: ای اسماء، مگر با تو عهد نکردم که نوزاد را جامه زرد نپوشانی؟ آنگاه او را در جامه‌ای سپید پوشاندم و به ایشان دادم. سپس پیامبر (ص) در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه گفت. پس از آن به علی (ع) فرمود: این پسر را چه نامیده‌ای؟ علی (ع) فرمود: ای فرستاده خدا، در نام‌گذاری او من بر شما پیشی نمی‌گیرم، ولی من دوست داشتم نام او را حرب بگذارم. پیامبر (ص) فرمود: من نیز در نام‌گذاری او به پروردگارم سبقت نمی‌گیرم. در این حال جبرئیل (ع) فرود آمد و عرض کرد: ای محمد! خدای بلند مرتبه تو را درود می‌فرستد و می‌فرماید: علی در پیشگاه تو به مانند هارون در برابر موسی می‌باشد، جز اینکه پس از تو پیامبری نیست، بنا بر این پسرت را به اسم پسر هارون نام‌گذاری کن. پیامبر (ص) فرمود، ای جبرئیل نام پسر هارون چیست؟ جبرئیل گفت: [شبر] پیامبر (ص) فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: او را حسن نام گذار. اسماء گفت: سپس پیامبر (ص) او را حسن نامید. پس از آن هنگامی که حسن (ع) هفت روزه شد، پیامبر اکرم او را به دو قوچ که سفیدی آنها از سیاهی آنها بیشتر بود عقیقه کرد، و به قابله قوچی بخشید و سر حسن (ع) را تراشید و به وزن موی او نقره صدقه داد و سپس سر حسن (ع) را روغنی خوشبو مالید. سپس اسماء گفت: چون یک سال از تولد حسن (ع) گذشت، حسین (ع) تولد

یافت. در این هنگام پیامبر (ص) بر من وارد شد و فرمود: پسر من را بیاور. حسین (ع) را به او دادم در حالی که وی را به جامه‌ای سپید پوشانیده بودم. آن حضرت در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه گفت، و او را در دامن خود نهاد و گریه کرد. اَسْمَاء گفت: عرض کردم، پدر و مادرم فدای شما، گریه شما برای چیست؟ پیامبر (ص) فرمود: برای این پسر من می‌گیریم، گفتم: او هم اکنون متولد شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای اسماء، گروهی سرکش - پس از من - او را می‌کشند، شفاعت من در نزد خدای برای آنها نیست. سپس پیامبر فرمود: ای اسماء، این خبر را به فاطمه نگویی چرا که او تازه وضع حمل کرده است. آنگاه به علی (ع) فرمود: این پسر من را چه نامیده‌ای؟ علی (ع) فرمود: من در نامگذاری او بر شما پیشی نمی‌گیرم، اگر چه دوست داشتم نام او را حرب بگذارم. پیامبر (ص) فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگارم سبقت نمی‌گیرم. در این حال جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و گفت: خدای بلند مرتبه تو را سلام می‌فرستد و می‌فرماید: او را به نام پسر هارون نامگذاری کن. پیامبر (ص) فرمود: نام پسر هارون چیست؟ جبرئیل گفت: شبیر. پیامبر (ص) فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: او را حسین نام گذار. پس چون حسین (ع) هفت روزه شد [پیامبر اکرم او را عقیقه کرد] به دو کوچ که سپیدی آنها از سیاهیشان افزون بود و سر حسین (ع) را تراشید، و به وزن موی سر او نقره صدقه داد و سر او را روغنی خوشبو مالید. (صحیفه الإمام الرضا علیه السلام / ترجمه حجازی: ۶۲)

البته باید در نظر داشت که آموزش تعالیم دین به کودک تدریجی است و این کار باید به تناسب رشد کودک و نوجوان تداوم داشته باشد. چنان که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «وقتی کودک سه ساله شد، باید با معارف توحیدی آشنا شود، و وقتی نزدیک چهار سالگی شد، با معارف از نبوت آشنا می‌شود، وقتی پنج ساله شد و دست راست خود را از دست چپ تشخیص داد، رو به قبله قرار می‌گیرد و سجده می‌کند، و وقتی شش سال تمام شد، نماز به جای می‌آورد و رکوع و سجده را یاد می‌گیرد. وقتی به هفت سالگی رسید، برخی اعمال وضو را آموزش می‌بیند و خلاصه وقتی به نه سالگی رسید، کاملاً وضو و نماز را باید آموزش ببیند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۳)

یکی از محورهای اساسی، که حضرت زهرا (س) بدان توجه و تأکید داشتند بُعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکالیف عبادی و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خدا دانسته و از آن بالاترین لذت‌ها را می‌بردند.

کودک بیش از هر کسی با مادر تماس دارد؛ مفاهیم اخلاقی و مذهبی را از او می‌آموزد و در رفتار، او را نمونه و الگوی خود قرار می‌دهد، بر این اساس پرورش مذهبی و اخلاقی از وظایف اولیه مادر است (برجی نژاد، بی‌تا: ۱۹۹). بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، بخصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود.

اندیشمندانی نظیر باندورا، ساترلند و تارد نظریه یادگیری اجتماعی را توسعه دادند. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. از نظر باندورا، رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید، یعنی مفهومی که تأثیر متقابل نامیده می‌شود. شخص می‌تواند با کمک فرآیند الگو سازی و با مشاهده دیگران چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد. فرآیند مدل سازی، در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۴).

بانوی خانه، میزان و الگوی رفتار، برای اتباع خانواده، بخصوص فرزندان است. از طریق اوست که شخصیت کودک شکل می‌گیرد و پایه‌های اخلاق کودک گذارده می‌شود. به طور کلی مقام و شخصیت و جایگاه والای مادری در تربیت جایگاه ویژه‌ای است. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۳۶) فرزندان حضرت زهرا (س) همواره مادر را در خالصانه‌ترین شکل در حال عبادت می‌دیدند و این بهترین روش برای یادگیری آنها محسوب می‌شد.

در روایات اهل سنت است که حسن بصری درباره عبادت حضرت زهرا (س) می‌گوید: «ما كان في هذه الامة عبد من فاطمة كانت تقوم حتى تورم قدمها» در میان این امت عبادت کسی از فاطمه بیشتر نبود زیرا آن قدر روی پاهای خود در مقام عبادت ایستاد که قدم‌هایش ورم می‌کرد. (آشوب، ۱۳۸۸: ۳۴۱)

یکی از مواردی که امام حسن (ع) از مادر خود آموخته بوده و روایت نمودند، نحوه دعا کردن حضرت زهرا (س) بود. ایشان فرمودند: «كانت فاطمة إذا دعت تدعو للمؤمنين والمؤمنات ولا تدعو لنفسها، فقلت لها: يا أمّاه لم لا تدعين لنفسك كما تدعين لغيرك؟ فقالت: يا بنی! الجار ثم الدار. (كشف الغمّة، ج ۲ ص ۹۴)

علاوه بر این، در زمینه شیوه تربیتی ائمه (ع)، امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما فرزندان خود را در پنج سالگی به نماز فرا می‌خوانیم و شما فرزندان‌تان را از هفت سالگی به انجام نماز وادار نمایید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲) حضرت زهرا (س) که به عظمت شب قدر آگاه است نه تنها خود تا به صبح بیدار می‌ماند؛ بلکه زمینه‌ای را فراهم می‌نماید تا دیگر اعضای خانواده نیز بتوانند از این شب استفاده کرده و بهره ببرند.

حضرت زهرا (س) بچه‌ها را به شب زنده داری تشویق می‌نمود و در این مسئله توان کودکان را در نظر می‌گرفتند. حضرت در شب بیست و سوم ماه رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می‌کرد. ایشان در روز کودکان را می‌خواندند تا کاملاً استراحت کنند، غذای کمتری به ایشان می‌دادند تا به این گونه زمینه و موقعیت بهتری از نظر

جسمی و روحی برای شب زنده داری داشته باشند. او به حدی در این امر قاطع بود که نمی گذاشت احدی از اهل خانه بخوابد و می فرمود: «محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند. (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۸۲)

آشنا نمودن کودکان با مسجد و مکان های عبادی

این مورد، از وظایف دیگر والدین خصوصاً مادران محسوب می شود. این روند در زندگی حضرت زهرا (س) به خوبی دیده می شود. در روایات آمده است که امام حسن (ع) هفت سال داشت که به دستور مادر هر روز در مجلس رسول خدا (ص) حاضر می شد و آنچه به رسول خدا وحی می شد می شنید و آن را حفظ می کرد و سپس نزد مادرش فاطمه می آمد و آنچه را حفظ کرده بود برای مادر باز می گفت. و هنگامی که علی (ع) به نزد فاطمه می آمد، آن علوم را از فاطمه (س) می شنید و چون از آن بانوی بزرگوار پرسید: از کجا این علوم را فرا گرفته ای؟ پاسخ شنید که از فرزندان حسن. به دنبال این ماجرا روزی امام علی (ع) در خانه پنهان شد، و حسن (ع) که قسمتی از وحی را شنیده بود به خانه آمد و همین که خواست آنچه را شنیده بود مانند روزهای دیگر به مادر خود باز گوید، دچار لکنت زبان شد و نتوانست آنچه را شنیده بود بیان کند. فاطمه (س) در شگفت شد و علت را از او پرسید؛ کودک در جواب گفت: ای مادر تعجب نکن که بزرگی اکنون به سخن من گوش می دهد و همان گوش دادن اوست که مرا از گفتار بازداشته. در این وقت علی (ع) از مخفی گاه بیرون آمد و حسن (ع) را بوسید. (آشوب، ۱۳۸۸: ۸)

حضرت زهرا (س) تربیت صحیح کودکان را در به کار گیری دستورات دینی دانسته و با بکار گیری دستورات وحی محیط خانه را محیط صفا و مهر و صمیمیت و فرزندان خود را سرشار از عشق به اسلام بار می آورد. می دانیم که بهترین شیوه تربیت کودک، شیوه عملی است و حضرت زهرا (س) با عبودیت و بندگی الهی، در مقابل دیدگان فرزندانش توانست آنان را به کمال مطلوب برساند. تا جایی که می بینیم حضرت زینب (س) جای خالی مادر را پر کردند و هیچ گاه حتی در روز عاشورا نماز شب را ترک نمودند.

آموزش نوع دوستی به کودکان

از جمله روش های تربیتی حضرت فاطمه (س) نوع دوستی، بوده است. ایشان در برابر چشمان تیزبین فرزندان، به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند، ولی دیگران را سیر می نمود.

روزی، عرب مستمندی که از گرسنگی در رنج بود به خدمت پیامبر خدا (ص) رسیده، از درد گرسنگی به آن سرور شکوه کرد، حضرت نیز پیکی را به سوی زنان خویش فرستاده، از آنان درخواست طعام کرد، ولی همگی گفتند: ما جز آب چیزی برای خوردن نداریم. رسول خدا طبق معمول از دیگر مسلمانان کمک خواست، که آن مرد گرسنه را مهمان خود کنند، باز طبق معمول علی (ع) اظهار آمادگی کرد و عرب را به خانه آورد و از فاطمه (س) در این باره کمک خواست. زهرای اطهر (س) گفت: ما طعامی جز به اندازه خوراک یک بچه نداریم، ولی آن را به

مهمان خود می‌دهیم و خود در گرسنگی به سر می‌بریم. فاطمه (س) با توافق امیرالمومنین (ع)، بچه‌ها را بدون طعام خوابانید و خود نیز گرسنه ماند و علی (ع) چراغ را به بهانه معیوب بودن روشن نکرد و در تاریکی شب از مهمان پذیرایی نمود و او را سیر کرد و به مهمان چنین وانمود کرد که او نیز طعام می‌خورد، تا مهمان متأثر نگردد. شب به پایان رسید و صبح در مسجد حاضر شدند و با پیامبر خدا (ص) دیدار نمودند. رسول خدا (ص) با دیدن علی (ع) گریه کرد و گفت: دیشب ملائکه خدا از مهمان نوازی شما تعجب کردند و آیه نهم سوره حشر: «و یُثْرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ و لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» را در حق شما نازل کردند. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۲۸ و ۳۴ و ج ۳۶: ۵۹)

علاوه بر این، فاطمه (س) گردن‌بند خود را به فقرا ایثار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه‌ها خریداری شد و برای بی لباس‌ها، لباس مناسب تهیه گردید... (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۴۴)

آن حضرت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی و عواطف انسانی و ارشاد و هدایت مردم نیز به کمک آنان می‌شتافت و مصالح مردم را پی‌گیری می‌نمود و در حق‌شان دعا می‌فرمود و از این طریق فرزندان خویش را با چنین عواطف اسلامی و انسان‌ساز پرورش می‌داد. مصداق این کلام در بحث دعا کردن برای همسایه دیده می‌شود.

در یک قضیه تاریخی دیگر آمده است، که فاطمه زهرا (س) همچون امیرالمؤمنین (ع) برای بهبودی حسن و حسین از مریضی، سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن، مجبور شد برای یک نفر یهودی به نام «شمعون» در خانه خودش کار استیجاری نموده و از اجرت آن نان جو تهیه نماید... چنانچه در تفسیر سوره هل آتی آمده است فاطمه و علی و دیگر خانواده او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به مسکین، یتیم، کافر و اسیر دادند و همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهل خانه نازل گشت. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۷)

اگر امام حسین (ع) سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دوبار خلع ید کرده است، در دامان پر مهر و انسان‌ساز فاطمه (س) پرورش یافته و همچنین فرزندان دیگر ایشان که جای بحث نیست.

ایجاد رقابت سالم بین فرزندان

فطرت انسان، خواهان کمال و فضیلت است. اسلام که دین کمال و فضیلت می‌باشد، هماهنگ با خواسته‌های فطری بشر است. اسلام در تربیت کودک و دعوت او به سوی کمال و فضیلت هیچگاه به تنبیه و زور متوسل نمی‌شود، بلکه با آشنا نمودن کودک با زبان قابل درک او و ترغیب و تشویق او، استعدادهای کودک را به سوی کمال شکوفا می‌کند و حتی اگر کودکی در اثر عدم آشنایی به صلاح و فساد مرتکب عمل خلافی شود، نباید فوراً از حربه تنبیه استفاده نمود، بلکه با آشنا نمودن او با عاقبت کارهای خلاف، و ترغیب و تشویق به کمال و فضیلت، کودک را از کارهای خلاف بازداشت. یکی از این راه‌ها ایجاد رقابت سالم و سازنده بین کودکان است (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۹۰)

علاوه بر این، روبرو ساختن کودکان با مشکلات و فراهم نمودن امکان رقابت برای آنها موجب اعتماد به نفس آنان می‌شود. اعتماد به نفس که نقطه مقابل حس حقارت و خود کم بینی است بقدری ارزشمند و سرنوشت ساز است که اولیای کودک باید به هر قیمتی که شده این حس را در کودک خود به وجود آورند، چرا که در غیر این صورت کودک دلبند خود را بدون هر گونه سلاح به میدان نبردی فرستاده‌اند که قدرتمندان در این میدان به زمین خورده‌اند. به نوشته بعضی از روان شناسان، یکی از عمده‌ترین اهداف در تربیت کودکان، ایجاد نوعی احساس واقعی اعتماد به نفس است. به شهادت تاریخ، فرزندان حضرت زهرا (س) هرگز تسلیم باطل و مرعوب زور نشدند، و در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی، بزرگواری، عزت نفس، کمالات انسانی خود را حفظ کردند و این موفقیت، ریشه در اعتمادی داشت که در دوران طفولیت نسبت به خود پیدا کردند. مسابقه از جمله ابزاری است که روح اعتماد به نفس و مشکل ستیزی را در کودک، زنده نگه می‌دارد (انصاری، ۱۳۷۴: ۴۶).

در جریان بررسی تاریخ زندگی امامان شیعه به مواردی برمی‌خوریم که تنها به نقل یکی از موارد اکتفا می‌کنیم: روزی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در یک مسابقه خطاطی به رقابت پرداختند. امام حسن (ع) گفت: خط من بهتر است. و امام حسین (ع) گفت: آنچه من نوشتم، زیباتر است. سرانجام هر دو جهت داوری مسابقه خدمت مادرشان رسیدند. فاطمه زهرا (س) نمی‌خواست بچه‌ها آزرده شوند، بدین خاطر فرمود: به پدرتان مراجعه کنید تا قضاوت کند. حضرت علی (ع) نیز آنها را نزد پیامبر فرستاد و داوری را بر عهده آن حضرت نهاد. پیامبر نیز داوری را به جبرئیل سپرد. او نیز به اسرافیل حواله داد، تا اینکه اسرافیل از جانب خدا قضاوت در این مورد را به خود فاطمه (س) سپرد. حضرت زهرا عرض کرد: «خدایا چگونه میان این دو قضاوت کنم؟» به الهام حضرت باری تعالی، صدیقه کبری (س) گردنبد خود را پاره کرده، دانه‌های آن را که زوج نبود، بر زمین ریخت و سپس فرمود، هر که بیشترین دانه را جمع کرد، از جانب من برنده خواهد بود. در این صورت باید یکی در این مسابقه برنده می‌شد، اما جبرئیل یکی از دانه‌ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه بردارند، به این ترتیب، این مسابقه دو برنده داشت و هر دو در این رقابت پیروز شدند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۹) به این ترتیب حس رقابت سازنده را در بین فرزندان خود ایجاد نمودند.

عزت نفس، مفهومی است که به ادراک فرد از ارزش شخصی و به تعبیر بهتر، «خودارزشمندی» اشاره دارد. این ادراک، همان ارزشیابی عاطفی نسبت به خود است که معمولاً بر اساس ویژگی‌های مثبت و منفی سنجیده می‌شود. برخی از روان‌شناسان گفته‌اند: «عزت نفس، چگونگی احساس ما درباره خودمان است و می‌توان گفت کلید رفتار فرد است» و به «قضاوت شخصی فرد از ارزش خود» نیز تعریف شده است.

اهمیت عزت نفس یا ارزشیابی شخص از خود، یکی از مهمترین عوامل تحول روانی فرد است، بدون تردید، افرادی که از عزت نفس بالا برخوردارند، تصویر خوب و مثبتی از خود دارند و از بسیاری جهات با افراد دارای عزت نفس پایین، متفاوت هستند.

از مهمترین پیامدهای عزت نفس، داشتن اراده آهنین و قوی است که در انجام هیچ کاری احساس درماندگی و شکست نمی‌شود، اما «شخصی که به خودش شک می‌کند، مثل مردی است که دشمنانش را صف‌آرایی نموده، علیه خودش وارد جنگ می‌کند. شکست چنین شخصی، قطعی است؛ زیرا خود معتقد به شکست خویش است.

شخص کریم‌النفس با خودباوری و نهراسیدن از شکست، بر خود و مشکلات غلبه می‌کند و به همین جهت، مخالفت با شهوات حیوانی برایش آسان است.

رعایت عدالت میان کودکان

رفتار هماهنگ و عادلانه، بذل محبت و توجه بطور مساوی به فرزندان، اصل سازنده‌ای است که تا اعماق وجود کودک، اثر می‌گذارد. در برخی از روایات معصومین (ع) سفارش شده است که پدر و مادر از تبعیض و عدم رعایت انصاف، پرهیز کنند، بلکه عدالت و به یک چشم دیدن را سر لوحه رفتار خود قرار دهند. پدر و مادر نباید در مواقعی مانند خریدن لباس، هدیه یا پاسخ سلام، روح کودک را با مراعات نکردن انصاف، آزار دهند. نا گفته نماند، اینکه پدر و مادر به یکی از فرزندان خود، علاقه ویژه و بخصوصی داشته باشند، تا حدودی طبیعی است و شاید خارج از اراده آنها باشد، اما نکته مهم و اساسی این است که نباید این علاقه ویژه در رفتار و عملکرد پدر و مادر تأثیر گذارد، بگونه‌ای که سایرین، متوجه این علاقه و ارتباط ویژه شوند.

نمونه‌هایی در زندگی خانوادگی حضرت زهرا (س) دیده می‌شود که نشانگر توجه و دقت نسبت به این موضوع مهم می‌باشد. روزی امام حسن (ع) نزد پیامبر (ص) آمد و اظهار تشنگی کرد. از پیامبر تقاضای آب نمود. رسول خدا (ص) بی درنگ برخاسته، و ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن (ع) داد. در این هنگام امام حسین (ع) خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد، اما پیامبر به حمایت از امام حسن (ع) مانع گرفتن ظرف از ایشان شد. فاطمه زهرا (س) که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن (ع) برای شما عزیزتر از حسین (ع) است. پیامبر فرمود: «نه، هر دو برایم عزیز و محبوبند، ولی چون اول حسن (ع) تقاضای آب نمود او را مقدم داشتم.» (آشوب، ۱۳۸۸: ۳۸۵) پیامبر با این کار رعایت نمودن حقوق دیگران را به فرزندان آموزش دادند. اگر کودک بیاموزد که در خانه حقوق دیگران را رعایت نماید می‌تواند این امر را به اجتماع نیز سرایت دهد.

نمونه دیگر این که، روزی رسول گرامی اسلام (ص) امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را بر دوش گرفته و آنان را مورد لطف و نوازش خود قرار دادند. در همان حال، آن‌ها را به خانه آوردند و چون بچه‌ها گرسنه بودند، مادرشان زهرا (س) برای آنها نان و خرما آورد. پس از اینکه نان و خرما را خوردند، پیامبر رو به آنها کرد و فرمود: با هم کشتی بگیرید! امام حسن و امام حسین (ع) به درخواست پیامبر (ص) کشتی گرفتند. حضرت زهرا می‌گوید من دیدم که پیامبر با جملاتی حسن را تشویق کرده، در صدد تقویت اوست. بدین خاطر به پدرم گفتم: ای پدر بزرگوار! از شما

تعجب می‌کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهید، آن هم بزرگتر را بر کوچکتر. پیامبر (ص) فرمود: دوستم جبرئیل حسین (ع) را تشویق و تحریک می‌کند و من حسن را تشجیع می‌نمایم. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶۸)

مشابه این رفتارهای عادلانه، در مسابقه خطاطی حسنین (ع) نیز مشاهده شد. با رعایت اعتدال بین فرزندان می‌توان حس اعتماد و احترام را بین آنها ایجاد نمود. به همین دلیل بود که امام حسین (ع) احترام خاصی به امام حسن (ع) داشت و در حضور ایشان صحبت نمی‌کرد (مجلسی، ۱۳۸۰: ۳۱۷) به خواهرش زینب فوق العاده علاقه مند بود و به احترام او - با اینکه کوچک‌تر از او بود- از جایش بلند می‌شد همچنین احترام و محبت متقابل زینب به برادرش... (بابازاده، ۱۳۷۴: ۹۴)

ارج نهادن به شخصیت کودک

شخصیت هر کس، به اندازه اثر وجودی آن فرد است. هر قدر که تأثیر وجودی انسان در جامعه، تاریخ و نسل‌ها بیشتر باشد، به همان نسبت، ارزش و افتخار بیشتری نصیب وی می‌شود. بعضی افراد، دارای شخصیت مثبت هستند، یعنی از توانایی‌های بالفعل و بالقوه خود، در جهت مصالح جامعه و افراد نزدیک به خود استفاده می‌کنند، و برخی دیگر دارای شخصیت منفی هستند، یعنی نیرو و استعداد آنها مانند سم مهلکی است که به پیکره جامعه وارد می‌شود. نباید فراموش کرد که شکل اصلی و اولی این دو نوع شخصیت از همان دوران کودکی ساخته می‌شود. در تعالیم دینی آمده است آنچه کودک در طفولیت می‌آموزد تا پایان عمر او را همراهی می‌کند (انصاری، ۱۳۷۴: ۵۰). از عوامل رشد شخصیت کودک احترام نمودن اوست، کودک به لحاظ روح ظریفی که دارد، علاقه شدیدی به کرامت خود داشته و دوست دارد مورد تکریم قرار گیرد. به همین لحاظ احترام نمودن او موجب جلب توجه و عطف، و تأمین خواسته‌های درونی او می‌باشد. (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) انسان‌های والایی هستند، که در اثر شخصیت نافذ الهی خود توانستند مسیر تاریخ را تغییر دهند و تغیر در سیر تاریخ حاصل نمی‌شود مگر به همت‌های بلندی که در هر عصری نمونه‌های معدودی دارد. کیست که نداند، این کرامت و همت والای امامان ما مدیون تربیت الهی و بیت ملکوتی فاطمه زهرا (س) است. (انصاری، ۱۳۷۴: ۵۰)

روزی، پیامبر وارد خانه حضرت زهرا (س) شد و فرمود: دخترم! امروز پدرت مهمان شماست. فاطمه جواب داد: پدر جان! فرزندانم از من طعامی خواستند و من قادر به تهیه آن نبودم. پیامبر وارد اتاق شده و در کنار امام علی (ع) و نوه‌های خود نشستند. فاطمه همچنان متحیر بود که برای پذیرایی از رسول خدا (ص) چه باید بکند؟ در آن هنگام پیامبر خدا دستهایش را به قصد طعامی بهشتی برای فرزندان‌اش به طرف آسمان بلند کرد، لحظاتی بعد، جبرئیل نزد پیامبر مشرف شد، عرض کرد: «من حامل سلام مخصوص خداوند بر شمایم.

خداوند می‌فرماید: به علی و فاطمه و فرزندان آنها بگو آنچه از میوه‌های بهشتی میل دارید، از من بخواهید». پیامبر (ص) پیام را به اهل بیت (ع) رساند، اما کسی چیزی نگفت. امام حسین (ع) گفت اگر اجازه دهید من برای شما میوه انتخاب کنم. همگی گفتند: انتخاب ترا قبول داریم. امام حسین (ع) گفت: ای رسول خدا (ص) به جبرئیل بگویند ما خرمای بهشتی میل داریم. پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: برخیز داخل اتاق شو و هر چه که آنجاست بیاور. فاطمه زهرا در آن اتاق با سبزی بلورین که با دستمال ابریشم سبزی پوشانده شده بود روبرو گشت. داخل سبد پر از خرمای غیر فصلی بود. پیامبر رطبها را گرفت و میان اعضا تقسیم نمود و خود دانه دانه در دهان حسن و حسین می‌گذاشت. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۲)

نکته جالب توجه احترامی بود که همه اعضای خانواده به نظر کوچکترین عضو خانه گذاشتند. این گونه تربیت تأثیر مثبتی بر استحکام شخصیت افراد خانواده دارد. سیره رسول خدا (ص) نیز همواره بر تکریم بچه‌ها می‌باشد چنانکه در مورد حضرت آمده که به بچه‌های کوچ و خیابان سلام می‌کردند، و معلوم است سلام کردن شخصیت با عظمتی چون رسول خدا (ص) به کودکان و نوجوانان چه تأثیر مثبتی در آنان به جای خواهد گذاشت و رشد شخصیت آنان را در پی خواهد داشت. و این امر اتفاقی نبوده بلکه به عنوان سیره ایشان شناخته شده بود. به طوری که از حضرت نقل شده که من پنج چیز را هیچ گاه فراموش نمی‌کنم تا بعد از من سنت و روش باشد که یکی از آنها سلام کردن به کودکان است: «و التسليم على الصبيان لتكون سنة بعدی» (همان: ۲۱۵)

این نوع رفتار را در سیره حضرت زهرا (س) که تربیت شده دامان وحی می‌باشد نیز می‌توان مشاهده نمود. در حدیث شریف کساء می‌خوانیم که حضرت زهرا (س) هنگام ورود امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ایشان را با عنوان قره عینی و ثمره فؤادی خطاب می‌نمایند. نوع خطاب کردن کودک علاوه بر ایجاد محبت و انس بین مادر و کودک زمینه رشد شخصیت کودک را نیز فراهم می‌نماید.

توجه به حضور و غیاب فرزندان

بر کسی پوشیده نیست که، بی توجهی نسبت به نظارت بر فرزندان، بخصوص در رفت و آمدهای آنها، چه نتایج زیان باری به دنبال دارد، با توجه به خاطرات و تهدیداتی که هر لحظه، سعادت یک جوان را در معرض قرار می‌دهد، لازم است که رفتار آنها بویژه مواقع ورود به خانه و زمان خروج از آن، مورد دقت و بررسی قرار گیرد. گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر از این قبیل، به دلیل بی توجهی پدر و مادر آغاز می‌شود. به نقل از ابن عباس آمده است: روزی ما در کنار پیامبر خدا (ص) نشسته بودیم، که ناگاه فاطمه (س) گریه کنان وارد شد و عرض کرد، «یا رسول الله! حسن و حسین از خانه خارج گشته و نمی‌دانم کجا رفته‌اند» و مرتب گریه می‌کرد. پیامبر خدا (ص) فرمودند: دخترم! گریه نکن، خدایی که آنان را آفریده، از ما به آنها مهربان‌تر است. سپس

دست‌هایش را به دعا برداشته و برای حفظ حسنین دعا کرد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و از آن نور دیدگان خبر داد. رسول خدا (ص) در جمع اصحابش به باغ بنی نجار - که امام حسن و امام حسین (ع) در آنجا بودند - آمد و مشاهده کرد که آنان خوابیده‌اند، شروع به بوسیدنشان کرد تا اینکه از خواب بیدار شدند....

پیامبر خدا (ص) فرمود: امروز شأن و عظمت شما را بیش از پیش به مردم بیان می‌کنم، سپس آنان را بر دوش گرفته و همراه جمعیت به مسجد آورد، آنگاه از عظمت آنان و افضلیت پدر و مادرشان سخن گفت... (همان: ۳۰۲) این روایت میزان علاقه و نگرانی حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان‌شان را نشان می‌دهد.

نتیجه گیری

در بررسی سبک فرزند پروری حضرت زهرا (س) چند نمونه از رفتارهای ایشان انتخاب شده که در نمودار زیر نمایش داده می‌شود:

توجه حضرت زهرا (س) به نیازهای کودکان و دقت ایشان در آموزش مسائل دینی در کنار ارضای نیازهای عاطفی فرزندان از طریق محبت نمودن و شرکت در بازی‌های کودکان، عامل اصلی موفقیت حضرت زهرا (س) در تربیت فرزندان شایسته می‌باشد. با مقایسه سبک فرزند پروری حضرت زهرا (س) با روش‌های فرزند پروری بیان شده در نظریه بامریند، می‌توان نتیجه گرفت، در میان روش‌های فرزند پروری، روش مقتدرانه نزدیکترین روش تربیتی به روش اسلام است، زیرا والدین مقتدر به صورت افرادی با صمیمیت و محبت با فرزند خود رفتار، و با ابراز محبت به فرزندان خود، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می‌کنند و از جهت کنترل رفتاری، محدودیت‌های واضح و مناسب با سن فرزندان برای رفتارهای او در نظر می‌گیرند؛ اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند با این حال هنگامی که موقعیت اقتضا می‌کند از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم استفاده می‌کنند. در این خانواده‌ها تمام افراد قابل احترام هستند و والدین در مسائل مختلف با فرزندان خود مشورت می‌کنند و اعضای خانواده صلاحیت اظهار نظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارند.

والدین مقتدر، والدینی انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود برای هدایت آنها مقررات و چارچوب‌های روشنی تعیین می‌کنند. آن‌ها هم چنین به گفته‌های کودکان خود گوش، و گفتگو با آنها را ترویج می‌کنند. این والدین حقوق ویژه خود را به عنوان بزرگسالان شناخته‌اند، اما علائق فردی و ویژگی‌های خاص کودک را نیز می‌شناسند (پرچم، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۲۱). سبک فرزند پروری حضرت زهرا (س) بهترین نمونه والگویی برای زنان جامعه ایرانی است که می‌توانند با الگوپذیری از این روش‌ها، موفقیت خود را در تربیت نسلی شایسته، در کنار عنایت الهی تضمین نمایند.

منابع

- ۱) قرآن کریم و نهج البلاغه
- ۲) ابن بابویه (بی تا) عیون اخبار الرضا (ع) آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة
- ۳) ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵) دعائم الاسلام، مصحح آصف فیضی، قم، نشر موسسه آل البيت (ع)
- ۴) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۸۸)، مناقب ابن شهر آشوب (فاطمه زهرا بانوی برتر)، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم خادم الرضا، چاپ هشتم
- ۵) احمدی، حبیب الله (۱۳۷۴) فاطمه الگوی زندگی، قم، نشر چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- ۶) احمدی، حبیب. (۱۳۸۸) جامعه شناسی انحرافات، تهران: نشر مهر، چاپ سوم
- ۷) آذر شب، سجاد (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت کودک
- ۸) ارپلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲)، کشف الغمّة، ترجمه و شرح زواره‌ای، ۳ جلد، انتشارات اسلامیة - تهران، چاپ: سوم
- ۹) انصاری، عذرا (۱۳۷۴) جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا (س)، قم، نشر چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، مجله پیام زن
- ۱۰) بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۴) تحلیل سیره فاطمه زهرا (س)، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول
- ۱۱) برجی نژاد، زینب (بی تا)، نقش مادر در تربیت فرزند، فصلنامه طه‌ورا
- ۱۲) پاکدامن، مجید و همکاران، نقش سبک فرزند پروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیز هوش، آهسته گام و عادی)، بی جا، ۱۳۹۰
- ۱۳) پرچم، اعظم و همکاران، مقایسه سبکهای فرزند پروری بامریند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۴، ۱۳۹۱، صص ۱۱۵-۱۳۸
- ۱۴) تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ ق)، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعاریف
- ۱۵) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲) زن در آئینه جمال و جلال، قم، نشر اسراء، چاپ ۲۴
- ۱۶) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البيت، قم
- ۱۷) علامه مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق)، بحار الانوار لجامع الدرر الخبر، لبنان، موسسه الوفاء، بیروت
- ۱۸) قائمی، علی، (بی تا) مجموعه بحث‌ها در مورد نقش مادر در تربیت کودک، قم، نشر مرکز مطبوعاتی دارالتبع اسلامی
- ۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، کافی، مصحح غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب السلامیه
- ۲۰) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۸۰) جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم، تحقیق سید علی امامیان، انتشارات سرو، چاپ هشتم
- ۲۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد، (۱۳۸۶) علل الشرایع، مکتبه الداوری، قم
- ۲۲) منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۴) زن، عرفان و سیاست، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، سال دوم، شماره ۳، ۱۵-۴۸
- ۲۳) نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه (الفبای شخصیتی حضرت زهرا (س)، اصفهان، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ اول، ۱۳۸۰